

بسمه تعالیٰ

آثار حیات طیبه انسان از دیدگاه قرآن کریم

مریم ولی‌نسب^۱

چکیده

از دیدگاه قرآن کریم حیات حقیقی از آن خداوند است و همه موجودات بهره‌ای از آن را دارا می‌باشند. جهان خلقت مظہر رحمت رحمانی پروردگار است و مسیری است که از طریق آن هر موجودی به کمال خویش دست می‌یابد. یکی از راههای رسیدن به کمال رسیدن به حیات طیبه است. حیات طیبه یکی از مقولات بنیادی در اندیشه بشر معاصر است. مسلمانان و غیرمسلمانان از منظر خاص خود این موضوع را مورد مطالعه قرار داده‌اند. با توجه به اهمیت و جایگاه والایی که این مسئله نزد دین مقدس اسلام دارد؛ شناخت و تلاش برای رسیدن به آن، نتایج متفاوتی برای هر انسانی در بر خواهد داشت. در این پژوهش ابتدا به ذکر معنای حیات طیبه انسانی از دیدگاه مفسران و بزرگان دین می‌پردازیم، سپس به بررسی وجود مختلف حیات در قرآن کریم و جایگاه حیات طیبه در قرآن می‌پردازیم. امید است تصویری هر چند کوتاه را برای خوانندگان این مقاله فراهم آوریم تا با معنا و مفهوم حیات طیبه آشنایی بیشتری پیدا کنند.

کلیدواژه‌ها: حیات طیبه، ایمان، عمل صالح

^۱. حوزه علمیه صادقیه، تبریز.

مقدمه

خداؤند انسان را آفرید و به او نعمت حیات را ارزانی داشت. از دیدگاه ادیان الهی انسان آمیزه‌ای از جسم، روح، ماده و معناست و قرآن کریم آخرین و کامل‌ترین کتاب آسمانی که خدای تعالی برای هدایت انسان‌ها فرو فرستاده و بدین روی، از هر چه به کمال و نیکبختی آدمیان مربوط می‌شود، در این کتاب مقدس فروگذار نشده است. اما به دلیل آنکه قرآن بر عالمیان آمده و بیشتر مردم در مراحل اولیه هدایت‌اند، حقایق مربوط به کمال نهایی و اوج کامیابی معنوی و ابدی به صورت رموز و اشارات در سراسر آیات قرآن کریم پراکنده و پنهان گردیده و برای کشف آنها، باید منظری بلندپایه بر آیات قران داشت تا بتوان راز نهان این کتاب آسمانی را کشف کرد.

از دیدگاه قرآن کریم، جهان آفرینش بیهوده و باطل آفریده نشده بلکه به حق و رو به سوی هدف معینی در حرکت است.^۱ خداوند تمامی آنچه را که در آسمان‌ها و زمین است خلق کرد، تا در خدمت حیات و کمال انسان باشد.^۲ در این مسیر حیات طیبه به یاری انسان می‌شتabd؛ حیاتی که با گزینش آن از میان دو حیات مادی و معنوی، انسان به آرامش و اطمینان خاطر در دنیا و آخرت دست می‌یابد.

حیات طیبه به نوعی حیات اخلاقی است؛ زیرا انسان، زمانی شایسته نام انسان است و توانایی رسیدن به قرب الهی را دارد که از اخلاق انسانی برخوردار باشد. برخورداری از اخلاق انسانی، باعث تعالی شخصیت معنوی انسان گشته و نه تنها در همین دنیا، بلکه در آخرت نیز مایه سعادت انسان می‌باشد. در غیر این صورت، وی حیوان خطرناکی است که با استفاده از هوش سرشار و تمام استعدادهایش، در راهی غیر از آنچه که خداوند برای او در نظر گرفته حرکت می‌کند، و مایه ویرانی همه چیز می‌گردد، تا جایی که تبدیل به بدترین جنبدگان شده^۳ و در گمراهی همچون چهارپایان، بلکه گمراه‌تر از آنها می‌شود.^۴

آنچه در این نوشتار مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته، بررسی حیات طیبه انسانی از دیدگاه آیات قرآنی و روایات می‌باشد البته مقالات و کتاب‌هایی در این زمینه به چاپ رسیده، هر یک از نظری متفاوت از دیگری، حیات طیبه را مورد بررسی قرار داده است. آنچه این مقاله بدان اهتمام

^۱. ص: ۲۷؛ روم: ۸؛ آل عمران: ۱۹۱؛ عنکبوت: ۴۴؛ جاثیه: ۲۲؛ و ...

^۲. جاثیه: ۱۳؛ حج: ۶۵؛ لقمان: ۲۰...

^۳. انفال: ۲۲ و ۵۵

^۴. اعراف: ۱۷۹؛ فرقان: ۴۴

می‌ورزد، آن است که با روش توصیفی-تحلیلی، با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم و با مراجعه به منابع کتب دینی، آثار حیات طبیبه را مورد بررسی قرار دهد و در ادامه سعی می‌شود به سؤالاتی از جمله این که اساساً حیات و زندگی پاک و طیب چیست و چه آثاری در زندگی انسان دارد؟ پاسخ داده شود.

۱. معنای حیات طبیبه

«حیات» در لغت ضد «موت» است^۱ از آثار حیات، تحرک و تحسس است.^۲ حیات به معنای رشد، نمود، بقا، منفعت، سود، زندگانی، چیزهایی که جانداران و جمادات را از هم جدا می‌کند؛ می‌باشد.^۳

در زبان فارسی طیب به معانی «خوب و نیکو بودن یا شدن، شیرین و دلپذیر و خوشمزه، راضی و دلپذیر، گوارا، همراه با آرامش خاطر، روا و حلال، عطر و خوشبویاست و «طیب» در لغت به چیزی اطلاق می‌شود که فینفسه مطلوب و به دور از آلودگی ظاهری و باطنی باشد و نقطه مقابل آن، «خبث» است؛ یعنی چیزی که ظاهراً و باطنًا آلوده، و فینفسه مایه اکراه اس.^۴ طیب به معنای دلچسبی، طبع پسندی. (طاب الشی طیبا) یعنی دلچسب و طبع پسند شد. اصل آن طیب است که حواس از الذت می‌برد.^۵ طیب به معنای دور بودن از هر گونه ناپاکی، هر چیزی که از آلودگی ظاهری و باطنی به دور باشد و خود نیز خویشاوند و شایسته باشد.^۶

مفسران قرآن: معانی متعددی برای «حیات طبیبه» ذکر کرده‌اند. مانند: روزی حلال، قناعت^۷ و خشنودی از قسمت الهی^۸ عبادت توأم با روزی حلال،^۹ زندگانی در طاعت خداوند.^۱

^۱. ابن‌منظور، لسان‌العرب، صفحه ۲۱۱.

^۲. مصطفوی، تحقیق فی کلمات القرآن‌الکریم، ج ۲، صفحه ۳۶۹

^۳. ریگی، معجم الوسيط، صفحه ۴۷۷.

^۴. مصطفوی، تحقیق فی کلمات القرآن‌الکریم ، ج ۷، صفحه ۱۵۱.

^۵. قرشی، قاموس قرآن، صفحه ۲۵۷

^۶. مصطفوی، تحقیق فی کلمات القرآن‌الکریم، صفحه ۱۵۱.

^۷. طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، صفحه ۴۲۴.

^۸. فیض کاشانی، الاصفی فی تفسیر القرآن، ج ۱، صفحه ۶۶۲

^۹. ابن‌کثیر دمشقی، تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، صفحه ۵۱۶

به دیگر سخن: حیات طبیه؛ یعنی زندگی‌ای که نیازهای مادی، جسمانی و معنوی- چه علمی، چه عملی، چه روحی- آدمی را پاسخ‌گو باشد.^۲

طباطبایی: حیات طبیه، حیاتی واقعی و جدید است که خداوند آن را به کسانی که سزاوارند، افاضه می‌فرماید و این حیات جدید و اختصاصی جدای از زندگی سابق که همه در آن مشترک- اند؛ نیست. در عین اینکه غیر آن است؛ همان است. تنها اختلاف به مراتب است نه به عدد. پس کسی که دارای آنچنان زندگی است؛ دو جور زندگی ندارد بلکه زندگیش قوی‌تر، روشن‌تر، و واجد آثار بیشتر است.^۳

مکارم شیرازی: حیات طبیه یعنی تحقق جامعه‌ای قرین با آرامش، امنیت، رفاه، صلح، محبت، دوستی، تعاون و مفاهیم سازنده‌ی انسانی که از نابسامانیها و درد و رنجهایی که بر اثر استکبار، ظلم، طغیان، هواپرستی و انحصار طلبی به وجود می‌آید و آسمان زندگی را تیره و تار می‌سازد؛ در امان است.^۴

۲. وجود مختلف حیات در قرآن

حیات در قرآن کریم در معانی مختلفی به کار رفته است؛ در اینجا چند مورد از این معانی با توجه به آیات مربوط به آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم؛

۱.۲ حیات گیاهی: زندگی گیاهی نوعی از زندگی حیوانی، البته مرتبه‌ای ضعیفتر از آن است.

حیات گیاهان در قرآن کریم به زمین نسبت داده شده است و رویاندن گیاهان و زندگی یافتن آنها (احیای زمین) خوانده شده است.^۵

«و زمین را بعد از مرگش دوباره زنده می‌سازد و بر این گونه (از گورها) بیرون آورده می- شوید».^۶

هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.^۷

^۱. رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، صفحه ۸۹.

^۲. خامنه‌ای، سایه‌سار ولایت، ج ۶، صفحه ۲۵ (با اندکی ویرایش).

^۳. طباطبایی، المیزان، ج ۲، صفحه ۴۹۱.

^۴. مکارم شیرایی، تفسیر نمونه، ج ۱۱، صفحه ۳۹۱.

^۵. علوی، حیات رویکردی قرآن، صفحه ۱۰۰.

^۶. «وَ يَحِيِّ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ كَذَالِكَ تُخْرِجُونَ»؛ روم: ۱۹ - ۳۰.

^۷. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيهِ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْرِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ نحل:

بعضی حیات طیبہ در این آیه را به معنی روزی حلال، و بعضی به قناعت و رضا به داده الهی، بعضی به عبادت همراه با روزی حلال، بعضی به توفیق بر اطاعت فرمان الهی، تفسیر کرده‌اند و بعضی هر گونه پاکیزگی از آلودگیها، ظلمها، خیانتها، عداوتها، اسارتها و ذلتها و طهارت و پاکیزگی و رفاه و آسایش را در مفهوم آن مندرج دانسته‌اند؛ ولی با توجه به جمله «وَلَئِنْجَزْيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ» که ناظر به پاداش آخرت است، بیشتر به نظر می‌رسد که «حیات طیبہ» اشاره به زندگی پاکیزه این دنیا باشد.^۱

[و فرمود] قناعت دولتمندی را بس و خوی نیک نعمتی بود در دسترس. و از امام علی علیه السلام پرسیدند منظور از جمله «فَلَئِنْجَزْيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً» چیست؟ فرمودند: «قناعت» است؟ بدون شک مفهوم این تفسیر محدود ساختن حیات طیبہ به قناعت نمی‌باشد، بلکه بیان مصدق است ولی مصدقی است بسیار روشن، چرا که اگر تمام دنیا را به انسان بدهنند ولی روح قناعت را از او بگیرند همیشه در آزار و رنج و نگرانی بسر می‌برد، و به عکس اگر انسان روح قناعت داشته باشد، و از حرص و آز و طمع بر کنار گردد، همیشه آسوده خاطر و خوش است.^۲

۲.۲ حیات حیوانی

این گونه زندگی خود در بردارنده‌ی مراتب و درجات متعددی است. همان حیاتی است که موجوداتی چون انسان‌ها و جانوران دارا هستند. زنده‌گان به این حیات با آثار و نشانه‌هایی مانند حرکت، احساس، تغذیه، تولیدمیث، اراده و تعذیه شناخته می‌شوند. همه انسانها در بهره‌مندی از حیات حیوانی مشترکند. چه مؤمنانی که فراتر از این زندگی، حیات طیبہ دارند و چه کافران محروم از این بهره‌مند برترا. چون مؤمنان و هم کافران در آغاز دارای این حیات بوده و به یک اندازه از آن بهره‌مند بودند؛ اما کافران در تنگنای حیات حیوانی بدان قناعت کرده ولی مؤمنان آن را ترقی داده و به حیات برتر رسیده‌اند.^۳ مفسران آیه ۱۵ و ۱۶ سوره هود را نمونه بارز حیات حیوانی می‌دانند:

^۱. مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، صفحه ۵۵.

^۲. «وَ قَالَ [عَلِيهِ السَّلَامُ] كَفَى بِالْقَنَاعَةِ مَلْكًا وَ بِحُسْنِ الْخُلُقِ نَعِيْمًا وَ سَيْلًا [عَلِيهِ اسْلَامُ] عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى [فَلَئِنْجَزْيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً] فَقَالَ هِيَ النَّاعَةُ»؛ نهج البلاغة کلمات قصور/ ۲۲۹.

^۳. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، صفحه ۳۹۵.

^۴. علوی، حیات رویکردی قرآن، صفحه ۹۷.

۵. در ایشان روح حرکت نهاد که با آن رفت و آمد کنند.

و در مؤمنین و اصحاب یمین، روح ایمان نهاد که با آن از خدا بترسند، و در ایشان روح قوت نهاد و با آن بر اطاعت خدا توانایی یابند، و در ایشان روح میل و گرایش نهاد و با آن خواهان اطاعت خدا گردند و در ایشان روح حرکت نهاد که با آن روح رفت و آمد کنند.^۱

کلمه «روح» در این حدیث شریف به معنای قوه و نیروی است باطنی و معنوی که منشأ و مبدأ آثاری است که امام علیه السلام بیان می‌کند؛ زیرا رفت و آمد انسان و ترس او از خدا و شناختن و دانستن چیزها، آثار و اعمالی است که از انسان بروز می‌کند و این آثار ناچار باید مبدأ و علت و موجب و محركی داشته باشند که هستی و قیامشان به آن باشد. از این رو کلمه «روح» در این روایت همان مبدأ و علتی است که سبب پیدایش این آثار گشته است.

در روایتی دیگر آمده است: راوی می‌گوید خدمت امام موسی بن جعفر علیه السلام رسیدم، به من فرمود: خدای تبارک و تعالی مؤمن را به وسیله روحی از جانب خود تأیید کند و هر زمان که مؤمن نیکی کند و تقوا پیش گیرد، آن روح نزد او حاضر است، و هرگاه گناه کند و تجاوز نماید، آن روح در آن وقت غایب شود. پس آن روح با مؤمن است و در زمان احسان و نیکی او از شادی به جنبش آید و هنگام بدی و گناه از او افول نماید. بندگان خدا! نعمت‌های خدا را (که ایمان و یقین است) به وسیله اصلاح نفس خویش (به سبب تقوا و ترک گناه) مراقبت کنید تا بر یقین شما بیفزاید و سودی نفیس و گران‌بها برید. خدا رحمت کند بندگانی را که تصمیم خیری گیرد و انجام دهد یا تصمیم شری گیرد و از آن بازایستد. سپس فرمود: ما (اهل‌بیت) آن روح را به وسیله اطاعت خدا و عمل برای او فزاینده می‌کنیم^۲

۱. «بِاٰجَابُ اَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلْقَ ثَلَاثَةَ أَصْنَافٍ وَ هُوَ قُوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ كَنْتُ أَزْوَاجًاً ثَلَاثَةً فَاصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا اَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ وَ اَصْحَابُ الْمَسْئَمَةِ مَا اَصْحَابُ الْمَسْئَمَةِ وَ السَّابِقُونَ اُولُئِكَ الْمُقْرَبُونَ السَّابِقُونَ هُمْ رُسُلُ اللَّهِ وَ خَاصَّةُ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ جَعَلَ فِيهِمْ خَمْسَةً اَرْوَاحًا اَرْوَاحَ اِيَّدِهِمْ بِرُوحِ الْقَدْسِ فِيهِ عَرَفُوا اَلْأَشْيَاءَ وَ اِيَّدُهُمْ بِرُوحِ الْاِيمَانِ فِيهِ خَافُوا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَ اِيَّادُهُمْ بِرُوحِ الْقُوَّةِ فِيهِ قَدَرُوا عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ اِيَّادُهُمْ بِرُوحِ الشَّهَوَةِ فِيهِ اِشْتَهَوَا طَاعَةَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ كَرِهُوا مَعْصِيَتَهُ وَ جَعَلَ فِيهِمْ رُوحَ الْمَدْرَجِ الَّذِي بِهِ يَذْهَبُ النَّاسُ وَ يَجِيئُونَ وَ جَعَلَ فِي الْمُؤْمِنِينَ وَ اَصْحَابِ الْمَيْمَنَةِ رُوحَ الْاِيمَانِ فِيهِ خَافُوا اللَّهَ وَ جَعَلَ فِيهِمْ رُوحَ الْقُوَّةِ فِيهِ قَدَرُوا عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ جَعَلَ فِيهِمْ رُوحَ الشَّهَوَةِ فِيهِ اِشْتَهَوَا طَاعَةَ اللَّهِ وَ جَعَلَ فِيهِمْ رُوحَ الْمَدْرَجِ الَّذِي بِهِ يَذْهَبُ النَّاسُ وَ يَجِيئُونَ»؛ جوادی آملی، فطرت در قرآن، صفحه ۱۲۰-۱۲۱.

۲. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، صفحه ۱۹۰۵.

بنابر آنچه بیان شد، فرایند شکل‌گیری حیات طیبه در انسان به این صورت است که با ورود به فضای دین‌داری و ایمان و تمکن در این فضا، مرتبه فائقه روح او که به صورت استعداد در وی نهفته است، شکوفا می‌شود. ثمره ارزشمند این شکوفایی، ظهرور حیاتی معنوی و طیب است که فوق حیات ظاهری می‌باشد.

۶. اوج حیات طیبه در انسان کامل

انبیا و اوصیای الهی که برترین مصدق انسان کامل‌اند، از مقام شامخ روح القدس برخوردار هستند؛ روح آنان به فعلیت محض بار یافته است و بر این اساس بالاترین رتبه حیات طیبه را از آن خود کرده‌اند. آنان به برکت آن مرتبه از روح و این درجه از حیات، به همه ذرات عالم احاطه علمی یافته‌اند و همه حقایق در منظر آنهاست.

امام خمینی(ره) می‌فرماید: «برای انبیا و اوصیا علیه السلام مقام شامخی است از روحانیت که آن را «روح القدس» گویند؛ و به آن مقام احاطه علمی قیومی دارند به جمیع ذرات کائنات، و در آن روح غفلت و نوم و سهو و نسیان و سایر حوادث امکانیه و تجدادات و نقایص مُلکیه نیست، بلکه از عالم غیب مجرد و جبروت اعظم است».^۱

تفسر فرزانه معاصر جوادی آملی نیز در این‌باره نوشتهداند: «عالی‌ترین مرتبه حیات طیبه از آن انسان کامل است که خود کلمه طیبه تکوینی الهی است. انسان کامل "حی متآل‌هی" است که به فعلیت محضه بار یافته و از مراتب روح، آخرین مرتبه را که روح القدس است، حائز شده است. مردم همگی از روح نفخی "نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي" برخوردار و از حیات متکی بر آن بهره‌مندند؛ مؤمن به عنایت ازلی، مؤید به روح تأییدی "وَ أَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِّنْهُ" بوده و از حیات طیبه ایمانی ناشی- شده از آن مُتنعم است. لیکن مرحله عالی و کامل روح را که روح القدس است، خدا در انبیا و ائمه به ودیعه گذاشته است: "أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدْسِ". این روح که چیزی جدای از وجود آنان نیست، حقیقت بسیار متعالی است که عالی‌ترین مرتبه حیات که اوج حیات طیبه است را به آنان ارزانی می‌دارد و برکات‌فوق تصور بر این حیات ملکوتی مترتب می‌گردد».

^۱. امام خمینی، سیرت آفتتاب، صفحه ۵۴۵

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب گفته شده دریافتیم از دیدگاه قرآن کریم حیات حقیقی از آن خداوند است و همه موجودات بهره‌ای از آن را دارا می‌باشند و یکی از راههای رسیدن به کمال رسیدن به حیات طیبه است. حیات طیبه را یکی از مقولات بنیادی در اندیشه بشر معاصر معرفی کردیم. مسلمانان و غیرمسلمانان از منظر خاص خود این موضوع را مورد مطالعه قرار داده‌اند و از آنچه بیان گشت روشن شد که حیات طیبه نشئت‌گرفته از روحی جدید در انسان است. این روح گرچه از حیث نوپدیدی‌اش جدید است، لکن در واقع مرتبه فائقه روح است که با فراهم شدن بستر مناسب، به اذن الهی پدیدار شده است. این بعد شکوفا شده منشأ پیدایش حیاتی معنوی و متعالی (حیات طیبه) در انسان می‌گردد. مراد از روح مذکور همان «روح‌الایمان» است که با اجابت دعوت خدا و رسول، و با ایمان و عمل صالح و همچنین شکوفایی عقل، از جانب خدا افاضه شده و بر شاخصارش شکوفه‌های حیات طیبه می‌شکفده و انسان واقعی که «حی متّله» است را به ظهور می‌رساند.

مطالعاتی زیادی در این باره از ابتدای پیدایش اسلام تا کنون صورت گرفته است و کتاب‌ها و مقالات زیادی به رشتہ تحریر درآمده‌اند و همچنان جامعه‌ی بشریت به شناخت بیشتری از حیات طیبه دارند و امید می‌رود که این مقاله مورد استفاده خوانندگانی قرار گیرد که برای شناخت خود وجودی و انسانیت و پاکی سرشت خویش به دنبال یافتن راه رستگاری ابدی می‌باشند.

فهرست منابع

- قرآن
- نهج البلاغه

منابع فارسي

١. تفسير اهل بيت عليهم السلام، ترجمه عليرضا برازش، قم، نشر اميركبير، ج ٦.
٢. حسيني طهراني، محمدحسين، آيین رستگاري، تهران، بي تا، ج ١٦. ١٤٣٣ق.
٣. خميني، روح الله، سيرت آفتتاب(چهل روایت از حیات طیبه امام خمیني(س)، تهران، طبع و نشر، ١٣٨٥.
٤. خامنه‌اي، على، سايه سار ولایت (منشور مطالبات مقام معظم رهبری از دانشگاه و دانشگاهيان)، ج ٦، قم، دفتر نشر معارف، چاپ اول، ١٣٨٨.
٥. طباطبائي، محمدحسين، «تفسيرالميزان»، ترجمه، موسى، محمدباقر، قم، ناشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ١١، ١٣٧٨ش.
٦. عبدالله جوادی آملی، فطرت در قرآن، ج دوم، قم، اسراء، ١٣٧٩.
٧. علوی، محمدعلی، حیات رویکردی قرآن، —، دانشگاه امام صادق عليهالسلام ١٣٨٥
٨. فيض کاشاني، ملا محسن، الاصفی فی تفسیر القرآن، ج ١، قم، مركز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ١٤١٨ ق.
٩. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، مدرسه الامام على بن ابی طالب عليهالسلام، قم، چاپ اول، ج ١، ١٣٧٧ هـ.
١٠. ————— تفسير نمونه، انتشارات: دارالكتب الإسلامية، تهران، چاپ اول، ج ١١، ١٣٧٤ش.
١١. محمد محمّدی ری شهری، میزان الحكمه، ح ١٢٣٩٨، — نشر دارالحدیث، ١٣٨٤ ش.
١٢. مصطفوی، حسن، تحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ١٣٨٥.

۱۳. افرام بستانی، فواد، **المعجم الوسيط**، ترجمه: محمد بندر ریگی، نشر اسلامی، ۱۳۹۲.

منابع عربی

۱۴. الوسی، محمدبن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، گردآورندگان: ابراهیم شمس الدین - علی عبدالیاری عطیه، بیروت-لبنان، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۵ق.

۱۵. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.

۱۶. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، **تفسیر القرآن العظیم**، ج ۴، ص ۵۱۶، بیروت، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.

۱۷. ابن طاوس ، **اللهوف على قتلی الطفواف**، تهران. جهان، ۱۳۴۸ ش.

۱۸. انصاری، ابن منظور، لسان العرب، بیروت، انتشارات: دار صادر، ۱۴۱۴هـ

۱۹. طوسی، محمدبن حسن، **التبيان فی تفسیر القرآن**، ج ۶، بیروت، نشر دار احیاء التراث-العربی، بی‌تا.

۲۰. علی بن حسین علیه السلام ، **صحیفه سجادیه**، دعای ۲۲، ترجمه حسین انصاریان، تهران، پیام آزادی، ۱۳۷۴.

۲۱. شیخ صدق، **ثواب الأعمال و عقاب الأفعال**، موضوع: احادیث و عقاب اعمال، — ، نشر رضی، ۱۳۶۸ ش.

۲۲. محمدبن مکرم بن علی، ابن منظور، لسان العرب، انتشارات: دار صار- بیروت، ۱۴۱۴هـ

۲۳. متqi، علی بن حسام الدین، **کنزالعمل سننالأقوال و الافعال**، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ق- ۱۳۷۲.

۲۴. نجفی، محمدحسن بن باقر (۱۳۶۲)، **جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام**، پژوهش و تعلیق محمد قوچانی، سیدابراهیم میانجی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مقالات

۲۵. فرزند وحی، جمال؛ رحیمی، معصومه، «**حیات طیبه انسان از منظر قرآن**»، علوم قرآن و حدیث، قرآنی کوثر، شماره ۴۱، ۹۱-۱۳۹۰.